

«قرآن، راه زندگی» شعار سی‌ودومین دوره نمایشگاه قرآن کریم شد

جلسه شورای سیاست‌گذاری سی‌ودومین نما‌ی‌شگاه بین‌المللی قرآن کریم به ریاست سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور حجت‌الاسلام محمد قمی رئیس‌سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد. به گزارش جوان، سیدعباس صالحی در این جلسه گفت: امسال با چند محدودیت مواجه هستیم اما گاهی اوقات محدودیت‌ها می‌تواند منجر به فرصت‌سازی شود. محدودیت اول مربوط به مسائل مالی است، چراکه امسال دو نمایشگاه قرآن داریم. یکی در فروردین و دیگری در اسفند، که هر ۳۲ سال یک بار رخ می‌دهد. در حالی که منابع بودجه‌ای برای دو نمایشگاه پیش‌بینی نشده است. صالحی تصریح کرد: شرایط برگزاری نمایشگاه در مصالی امام خمینی (ره) نیز وضعیت خاص خودش را دارد، چراکه فضای مسلا به‌واسطه اینکه تا پایان زمستان در اختیار نماز جمعه است، کمتر از نیمی از دوره‌های قبل در اختیار قرار گرفته است. وی با بیان اینکه مسئله سوم تغییرات دولت و استقرار مسئولان جدید است، افزود: مجموعه این ویژگی‌ها موجب‌شده نمایشگاه امسال شرایط ویژه خود را داشته باشد و بر همین اساس توقع نیز متناسب با آن باید تنظیم شود. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه محدودیت‌های امسال می‌تواند فرصت‌ساز باشد، گفت: مسائل مربوط به فضای برگزاری نمایشگاه بودجه‌ی می‌تواند به انتخاب اولویت‌ها و کنار گذاشتن پیرایه‌هایی که اجرای آنها به سنت تبدیل شده است، بینجامد. وی افزود: وضعیت فعلی فرصتی برای به‌گزینی و غربال‌گری ایجاد می‌کند و این امر امکانی برای نمایشگاه فراهم می‌آورد تا شرایط اصلاح پیرایه‌ها فراهم شود. صالحی با بیان اینکه باید از محدودیت‌ها برای بهبود تراز، غربالگری و به‌گزینی بهره برد، تصریح کرد: وضعیت مالی نیز فرصتی برای صرفه‌جویی‌های بیشتر فراهم می‌کند و قدرت مدیریت مالی جدیدی را می‌طلبد تا براساس شرایط جدید کار را پیش ببریم.

در پایان این جلسه، «قرآن، راه زندگی» به‌عنوان شعار این دوره از برگزاری نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم انتخاب شد.



«صادق بریرانی» در گذشت

صادق بریرانی، گرافیست پیشگسوت ایرانی در گذشت. به گزارش جوان، بهرام کلهرنیا در نشست خبری هفدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر خبر در گذشت صادق بریرانی را بر اثر کھولت سن اعلام کرد. صادق بریرانی در سال ۱۳۰۲ ر روستای بریران گیلان که در آن زمان از توابع صومعه‌سرا بود زاده شد. در ۱۶ سالگی نقاشی را از روشی به نام «زین کلک» آموخت که از شاگردان کمال‌الملک بود. در ۱۳۲۶ برای تحصیل در رشته نقاشی وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. سپس به امریکا رفت و در دانشگاه ایندیانا تحصیل کرد. بریرانی از سال ۱۳۶۰ در دانشگاه‌های تهران گرافیک تدریس کرده است. او داور دوسالانه گرافیک برنو، چکسلواکی در ۱۳۵۵ و دوسالانه طراحی گرافیک تهران در ۱۳۷۱ بوده است و در نمایشگاه‌ها و دوسالانه‌های بسیاری شرکت کرده است.

اکران ۱۶ فیلم فجر در ۶۳ سینمای استانی

مدیر امور استان های چهل و سومین جشنواره فیلم فجر گفت: این رویداد در ۳۱ استان با استقبال خوب مخاطبان آغاز شد، ۱۶ فیلم در ۶۳ سینما به روی پرده می‌رود. به گزارش جوان، محمدرضا سوقندی، درباره جزئیات اکران فیلم‌های جشنواره در استان‌ها گفت: چهل و سومین جشنواره فیلم فجر هم‌زمان با تهران از روز گذشته ۱۵ بهمن ماه در مرکز استان‌ها آغاز به کار کرده و در ۶۳ سالن سینمایی کشور نمایش فیلم‌های جشنواره آغاز شده است. وی افزود: تهیه کنندگان ۱۶ فیلم موافقت کردند آثارشان هم‌زمان با تهران در استان‌ها نیز به نمایش دربیاید. از این ۶۳ سینما ۱۵ استان در یک سینما، ۱۲ استان در دو سینما و هشت استان در سه سینما به مدت یک هفته تا ۲۲ بهمن به نمایش آثار جشنواره می‌پردازند. سوقندی ادامه داد: بنا توجه به تفاوت افق در استان‌ها، اولین نمایش فیلم‌ها از ساعت ۱۶ بعداز ظهر شروع می‌شود و ساعت نمایش در بعضی استان‌ها متفاوت است و متناسب با تعداد سینماها و تعداد سالن‌ها این زمان تغییر می‌کند. در هر روز، هر سینما دو نوبت نمایش دارد و تعداد نوبت‌های نمایش هم در کل، هزار و هشت نوبت است. چهل و سومین جشنواره فیلم فجر از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ماه به دبیری منوچهر شهاسوری برگزار می‌شود.

گفت‌وگو



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر‌دبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهیداکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰ – فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۳۷۲ | چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۳ | ۶ شعبان ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ | غروب آفتاب: ۱۷:۲۴ | ۱۷۵۵ مغرب: ۱۷:۵۵ | شب‌شماره: ۲۲۰۲۴ | اذان صبح فردا: ۵:۲۵ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۰

امام رضا علیه‌السلام:

بی تردید، خداوند عزوجل، انسان را به سیاسگزاری از خدا و پدر و مادر فرمان داده است. پس کسی که سیاسگزار (قدر شناس) پدر و مادرش نباشد، از خدا سیاسگزاری نکرده است.

عیون اخبارالرضا علیه‌السلام:
ج یک ص، ۲۵۸، ج ۱۳

جشنواره فیلم فجر از نیمه گذشت و همچنان بیشتر فیلم‌ها ضعیف و بی کیفیت هستند

حال بد سینما فریاد زده شد

زمانی به یک رویداد بزرگ و معتبر تبدیل می‌شوند که آثاری باکیفیت و درخشان در آن به اکران در بیاید. هیچ گاه تعداد بالای فیلم‌های نمایش داده شده در یک جشنواره به آن اعتبار و اهمیت نداده است. به نظر می‌رسد مانور دادن روی تعداد فیلم‌ها تا پیش از شروع جشنواره بیشتر جنبه بازاری گرمی و خیرسازی داشته تا نشان‌دهنده کارگردانان و فیلمسازان زیادی به جشنواره آمده‌اند.

کار منطقی و درست این بود که دبیر جشنواره برای اعتباربخشی به جشنواره فیلم فجر آن را به شکلی چابک ولی باکیفیت برگزار می‌کرد. حضور این همه فیلم ضعیف در یک جشنواره لزومی ندارد. به راحتی می‌شد خط قرمز روی بسیاری از فیلم‌های ضعیف این دوره کشید و جشنواره را با تعداد فیلم کمتری برگزار کرد.

در این صورت انتقادات به انتخاب فیلم‌ها کمتر می‌شد. وقتی در بخش سودای سیمرغ بیش از ۲۰ فیلم حضور دارند و تعداد فیلم‌های خوش

به ۱۰ مورد هم نمی‌رسد، خیلی واضح و روشن وضعیت کیفی فیلم‌ها مشخص می‌شود. باز اگر ۲۰ فیلم انتخاب می‌شد و از میان آنها به ۱۰ فیلم خوب می‌رسیدیم برای منتقدان و اهالی رسانه قابل قبول تر به نظر می‌رسید.

■ **حال بد سینمای ایران**

وضعیت فعلی فیلم‌های حاضر در جشنواره نشان می‌دهد جریان فیلمسازی در سینمای ایران گیر و گرفتاری زیادی دارد. باوجود آزمون و خطاهای بسیار، برخی از گان‌ها و سازمان‌ها همچنان راه غلطی را برای سرمایه‌گذاری در سینما می‌روند و فیلم‌هایی می‌سازند که در جلب نظر مخاطب ناآوان این فیلم‌های کم‌دیی نیز انگار به بن‌بستی در طرح موقعیت‌های طنز رسیده‌اند و از موقعیت‌های کلیشه‌ای امتحان پس داده نمی‌توانند فراتر بروند. فیلم «انتیک» گوشه خوبی از یک فیلم کم‌دیی کلیشه‌ای و ضعیف در جشنواره بود که انتخاب و حضورش به اعتبار جشنواره آسیب زد. می‌شد این دوره لحاظ ساختاری، شیوه عملی و نوع تفکر تفاوت‌های آشکاری را با دوره‌های قبلی دارد که باعث می‌شود بتوانیم مدعی شویم که کار جدیدی کرده‌ایم. این تحول و تغییر ناشی از نگاه نویی است که در جامعه شکل گرفته، ولی نفی کننده نگاه جشنواره‌های قبلی نیست. در دوره‌های قبلی دوستان حاضر در جشنواره به هیچ عنوان نتوانستند شور و شوق و هیجان را به جشنواره بیاورند. به دور از هر نگاه جناحی و فارغ از تفکرات سیاسی باید برای این سینما کاری کرد. جشنواره چهل و سوم فیلم فجر با صدای بلند فریاد می‌زند که حال سینمای ایران خوب نیست و باید به فکر علاچی‌برایش بود. در زمانه‌ای که سینما بیش از همیشه برای عموم مردم اهمیت پیدا کرده باید به شکلی اساسی به فکر ارتقای کیفیت فیلم‌های ایران بود. سینمایی که زمانی برای خودش شانسنامه و هویت مشخص داشت و حداقل چند فیلم آن در طول سال مورد پسند مخاطبان جهانی قرار می‌گرفت، نباید به این وضع تبدیل شود که توانی قرار دادن فیلم‌ها در کنار فیلم‌های خارجی را به خودت شانسنامه دادن نامیدی. برای مثال هر بار استفاده از هلی کوپتر در پلان پرواز هزینه زیادی را به گروه سازنده تحمیل می‌کند. همچنین بسیاری از تجهیزات و قطعات در حال کهنه شدن هستند و به ذوب آهن تحویل داده می‌شوند که این کار را برای فیلم‌های جنگی در ادامه سخت می‌کند. با این توضیح لازم است امکان ساخت این فیلم‌ها ساده‌تر است و بنابر فرموده مقام معظم رهبری که دفاع مقدس گنجینه‌ای هست تمام نشدن، سازمان‌های متولی باید همت کنند و وسایل و تجهیزات ضروری برای ساخت فیلم را به خوبی نگهداری کنند و استراتژیک دارد، امیدواریم مدیران سینمایی برنامه و علاچی برای آن پیدا کنند.

پاژ مورد «رگ‌های آبی» عجیب‌تر، حضور فیلمی با نام «صنم» بود. این فیلم جایگزین «زمانی در ابدیت» شده بود و مشخص نبود چرا باید آن را در معتبرترین رویداد سینمایی کشور اکران کنند.

«صنم» بیشتر شبیه به فیلم‌های خانوادگی بود که در دل کوه و صحرا ساخته شده‌اند و اکرانش عجیب‌ترین انفاق ممکن برای اهالی رسانه بود. اکران چنین فیلمی به یکی از اصلی‌ترین به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. هر روز فیلم‌ها در مرکز همایش‌های برج میلاد اکران می‌شود که مایه ناامیدی است. تا به امروز به جز چند فیلم، بقیه فیلم‌ها چیزی برای ارائه نداشته‌اند. کیفیت فیلم‌های حاضر در جشنواره وضعیت اسفناک سینمای ایران را نشان می‌دهد. واقعیت این است که اهالی رسانه انتظار جشنواره‌ای گرم و پویا را داشتند که حداقل روزی یکی، دو فیلم خوب در آن ببینند. اما اوضاع فیلم‌ها به قدری بد بود که پس از گذشت پنج روز و اکران ۲۰ فیلم، تنها می‌توان به نام چند فیلم به عنوان خوب‌های جشنواره اشاره کرد.

■ **فیلم‌های ضعیف در بخش ویژه جشنواره**
بخش ویژه جشنواره که دبیر جشنواره با سروصدای زیادی روی آن مانور داده بود، به جز یک شب، چیز دیگری برای ارائه نداشت. اکران فیلم‌های ضعیفی که در حالت عادی کسی تماشایشان نمی‌کند، در بخش ویژه چه توجیهی داشت که برگزار کنندگان جشنواره روی این بخش مانور دادند؟

فیلم فوق‌العاده ضعیف «رگ‌های آبی» با محوریت زندگی فروغ فرخ‌زاد به قدری ضعیف و باسهم‌ای بود که همان شب اول جشنواره همه را ناامید کرد. فیلم جایگزینگر کوثری در نام‌آیداد ضعیف بود و هیچ جای دفاعی باقی نمی‌گذاشت. حالا بحث رابطه یا رقافت کوثری با مسئولان جشنواره بوده یا هر چیز دیگری، ولی جای چنین فیلمی در جشنواره و آن هم بخش ویژه نبود.



تلاش‌های گروهی و فداکاری نسلی را نشان دهیم که برای رسیدن به این دستاورد از هیچ اقدامی سر باز نزنند. در این شرایط به هر حال تلاش‌های فرمانده و سرپرست گروه نیز برجسته می‌شود و به نوعی از مجاهدت شهید حسن طهرانی مقدم در این دستاورد قدرانی کرده‌ایم. وی درباره انتخاب ساعد سهیلی برای ایفای نقش ابراهیم شریفی عنوان کرد: اگر چه ساعد سهیلی تجربه

دارد و به زبان نسل جدید و ساده بر ظرفیت ایران در موشک‌سازی تأکید می‌کند. سعدی با اشاره به رویکرد فیلم در تأکید بر کار گروهی برای رسیدن به موفقیت عنوان کرد: در صحنه‌هایی که با کارگردان داشتم و هدف اصلی فیلم تمام تلاشمان این بود که خدای جنگ یک فیلم بیوگرافی نباشد بنابراین این‌ا نام‌هایی استفاده نکردیم که مایه‌آزاری واقعی دارند، می‌خواستیم



نشست خبری هفدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر برگزار شد

کلهرنیا: ایده «جایزه‌بگیری» را از جشنواره حذف کردیم!

هنرمند و مدیران نظام‌های سیاست‌گذار و برنامه‌ریز اجرایی را تجسم کرده است که باید در کنار هم باشند. ما باید به میان مردم برویم و به مهریانی نیاز داریم. ما باید جشن را به میان مردم ببریم، بنابراین افق و چشم‌انداز را این‌گونه دیدیم تا هر جا که می‌توانیم جشن را میان مردم ببریم و معنای اجتماعی مردمی را توسعه دهیم. ما می‌کوشیم جوانی، تجربه‌گرایی و کوشش برای پیاده کردن خلاقیت‌های نو را در جشنواره پیاده کنیم. این ایده سبب می‌شود که مفاهیم هنر فاخر کمتر در جشنواره بروز کند ولی این ضعف جشنواره نیست، چون می‌کوشیم که استعداد‌های جوان و پرقابلیت را معرفی کنیم و بالا ببریم و موقعیت پشتیبانی و تحقق آرزوهای خود را فراهم کنیم. در این جشنواره استعدادیابی می‌کنیم و پشتیبانی برای بیان ایده و نظرات را خواهیم داشت، در حقیقت جشنی پر از رعت، ایثار و مهریانی را خواهیم داشت.

وی افزود: طبیعی است که توان ما محدود است و گروهی پذیرفتند، گروهی به من اعتراض کردند و گروهی نپذیرفتند. اینجا فرصتی است برای گفت‌وگو و همه حق دارند اعتراض و حرف خود را بیان کنند. جشنواره تجسمی فجر مثل یک بچه ناخواسته است و در بین هنرمندان جای‌نفته است. ما می‌کوشیم که کاخ هنرهای تجسمی شکل بگیرد. ما از آقای صالحی و دکتر یزشکیان می‌خواهیم که زمینی به نام جشن فجر برای حضور انجمن‌ها و تشکل‌ها پیش‌بینی شود و در اختیار مجموعه قرار بگیرد. طبیعی است که آنجا آن مرکز آکادمی خواهد شد که عرض کردم.

در ادامه این نشست، جعفر واحدی (دبیر اجرایی جشنواره) گفت از دغدغه‌های اصلی ما محل برگزاری جشنواره است و اصولاً بحث پول مسئله دوم ما بوده است. نگارخانه‌ای که زیر نظر وزارت فرهنگ باشد، نداریم و در این زمینه مشکل وجود دارد. این موضوع هر سال برای ما مشکل‌ساز است و باعث می‌شود زمان ما اتلاف و هزینه زیادی از ما کسر شود. این موضوع امسال هم خیلی برای ما چالش داشته است و ازاین‌رو،هایی برای تبلیغات و اختصاص دادن مکان‌هایی با زیرسازای صورت گرفته است.

او ادامه داد: ۱۷ میلیارد بودجه داشتیم و تا ۷۵ درصد آن محقق شده است ولی هدف‌گذاری را رقم بیشتری است و تا محقق نشود نمی‌توانیم همه کارها را تمام و کمال انجام دهیم. بودجه ایده آل ما برای برگزاری جشنواره ۳۵ تا ۳۵ میلیارد تومان است.

نگاهی به فیلم «شمال از جنوب غربی»

التهاب باید از فیلمنامه بیاید نه دوربین روی دست

نمی‌دانم کدام طرف را باید نظاره گر باشد. این احساس به‌وجود می‌آید که شخصیتی که امیرآقای بازی کرده برای فیلم اضافی است یا اینکه کارگردان نتوانسته پرداخت مناسبی به آن داشته باشد، اما همسر او به عنوان کسی که در تشکیلات و به مبارزه با ایران می‌پردازد درست از آب درآمده است، یعنی می‌توانیم سمت او را به عنوان یک مبارز تشکیلاتی به درستی باور کنیم. فیلم‌قوام یافته است و قصد ندارد مخاطب را به هر چهتی اذیت کند. اکشن‌سازی‌اش درست است و می‌تواند در پلان‌هایش یک غافل‌گیری ایجاد کند. سینمای جنگ نیاز به چنین عناصری دارد که بتواند با هیجان‌های پی در پی مخاطب را جذب کند. زمانی که فیلم قصه داشته باشد و در موازات آن عناصر درون زائری‌اش رعایت شود پس دیگر می‌شود آن فیلم را از هر جهت مورد قبول قرار داد. انتخاب بازیگران از نکات مثبت فیلم است و حضور مصطفی زمانی در فیلم نقش او یک درخشش محسوب می‌شود. تدوین به فیلم یاری رسانده است و موسیقی فیلم اگر چه بیش از حد استفاده شده اما قالب فیلم است. این را اضافه کنیم که سینمای جنگ جایزه‌باز به دوربین روی دست ندارد. التهاب در اما زمان طولانی آن متقاعد کننده نیست. پلان‌های طولانی گاهی ریتم با جان درام را می‌گیرد. بنابراین بهتر است برای اکران عمومی فیلم دوباره تدوین و کوتاه‌تر شود و این را بدانیم که سینمای جنگ جایزه‌باز به دوربین روی دست ندارد. التهاب در فیلمنامه باید شکل بگیرد و نه در لرزاندن دوربین، از شکل فیلم مشخص است که با ساختاری سخت مواجه بوده اما انگار توانسته کارگردانی تمیز و سروپایی از یک فیلم جنگی مردانه ارائه کند.

■ **افشین علیار**

فیلم شمال از جنوب غربی سینما می‌سازد و از کارگردانش چنین انتظاری داشتم. فیلم قبلی کارگردان به نام شماره ۱۰ با همین چیدمان رخدادها ساخته شده بود البته با حجم کمتری در اجرا، اما حمید زرگرزاد به سینمای جنگ مسلط است و می‌تواند قصه گویی کند. در سینمای جنگ قصه گویی باید وجود داشته باشد. اگر چه در نیمه ابتدایی فیلم قصه دیر و کند شروع می‌شود اما از دقایق مبانی قصه پخش می‌شود و شخصیت‌ها به درستی معرفی می‌شوند. به نظر می‌رسد فیلمنامه با یک نگاه منسجم نوشته شده و به همین دلیل می‌توانیم با شخصیت‌های فیلم همدات‌پنداری کنیم. کارگردان در فیلمش جهان جنگ و بهره‌گیری از اکشن را تا حد معمولش نگه می‌دارد. نه می‌خواهد از اداو اطوارهای رایج استفاده کند و نه می‌خواهد ساختار را فدای قصه گویی کند. فضا ساختن در سینمای جنگ کار آسانی نیست اما زرگرزاد توانسته یک برهه‌ای از جنگ و دفاع مقدس را به واقع گرایی تبدیل کند و به موازات آن هیجان برانگیزی اکشن را به تصویر بکشد. اگر چه

در بعضی از فیلم‌های دفاع مقدس حاضر در جشنواره فجر از اکشن بهره‌گیری نداشتند اما در این فیلم انگار همه چیز مانند پازل در کنار هم قرار می‌گیرد.

این نکته را باید اضافه کنم که در بعضی از سکانس‌های فیلم

ضعف‌هایی به چشم می‌خورد مانند تکراری شدن درگیری‌ها

در جنگل که انگار وقت فیلم تلف می‌شود. سکانس‌ها چندباره

با یک فیلمبرداری لرزان تکرار شده است تا جایی که مخاطب